

مراحل تحول اخلاق (۲)

ملاحظه بین فرهنگی در مراحل تحول اخلاقی

● علی اصغر کا کوجویباری

هنجارهای جدید به طور اساسی بعضی از هدفهای برنامه‌های پایه را برای امور آموزشی و پژوهشی تحت تأثیر قرار داده است. مهم‌ترین تجدیدنظر، متمایل به پایین بودن است و نشان می‌دهد که آزمودنیها، دیرتر از آنچه که در تحقیقات قبلی سطح قضاوت را به نمایش درمی‌آورند، عمل می‌کنند.

نمودار ۲ تمایل سنی را بر پایه نمره‌گذاری پاسخهای قدیمی آزمودنیهای تحقیق - پاسخهایشان در ۱۰، ۱۳، ۱۶ سالگی - را بر پاسخهای جدیدشان در طی اوایل و بعد از ۲۰ سالگی اضافه می‌کند. به‌خاطر داشته باشید نه براساس مطالعات طولی^۳، کار محققان با آزمودنیهای یکسان در طولانی مدت - در این تحقیق ۲۵-۲۰ سال است. در این روش آزمودنیها با داستان یکسان در هر سه یا چهار سال یکبار مورد آزمون قرار گرفتند.

مراحل تحول، ثابت باقی می‌ماند و جهش مرحله‌ای وجود ندارد؛ مراحل پایین مقدم‌تر است. روشن است که مراحل ۶ و ۵ در سالهای متوسطه، ظاهر نمی‌شود. حدس اولیه بر این استوار بود که در طی سنین (۱۸-۱۶)، قضاوتها می‌تواند بر پایه اصول جهانی آزادی یعنی قضاوت براساس مرحله ۶، استوار باشد. آشکار است که چنین استدلال پیچیده‌تر از سیستم نمره‌گذاری پیشین، قابل شناسایی بود. به بیان دیگر وقتی محققان پاسخهای آزمودنی در ۱۸ سالگی به حل معما را با پاسخهای همان آزمودنی در ۳۰ سالگی مقایسه کردند، به تفاوت ساختاری در فرآیند تفکر پی بردند. در ۱۶ سالگی تفکر تعمیم یافته به سطح اصول، وجود نداشت. در واقع، نمرات اولیه، برآورد اضافی، از توانایی واقعی آزمودنیها در فرآیند حل معما را به دنبال داشت. در حدود ۱۴ سالگی، مراحل (۳ و ۲) هر کدام ۴۵ درصد از قضاوت شایع را تشکیل می‌دهند. مرحله ۱، ۷ درصد، مرحله ۴، ۳ درصد از قضاوتها را تشکیل می‌دهند.

مراحل، معکوس می‌شود و تقریباً قضاوت بر پایه توانمندی مرحله ۵ با قضاوت بیشتر را تشکیل می‌دهد، در حالی که فراوانی این مرحله، در خصوص آزمودنیهای مکزیکی و تایوانی مشاهده نمی‌شود و در این سن نیز همانند ۱۳ سالگی کماکان مرحله ۳ فراوانی بیشتر، در قضاوت را دربر می‌گیرد. بدین اساس در حالی که اصل توالی تحول اخلاقی و قضاوت مبتنی بر آنها در این سه کشور، ثابت است، آهنگ دستیابی توانمندی قضاوت در موضوعات اخلاقی در بین آزمودنیهای آمریکایی سریعتر از آزمودنیهای مکزیکی و تایوانی، می‌باشد.

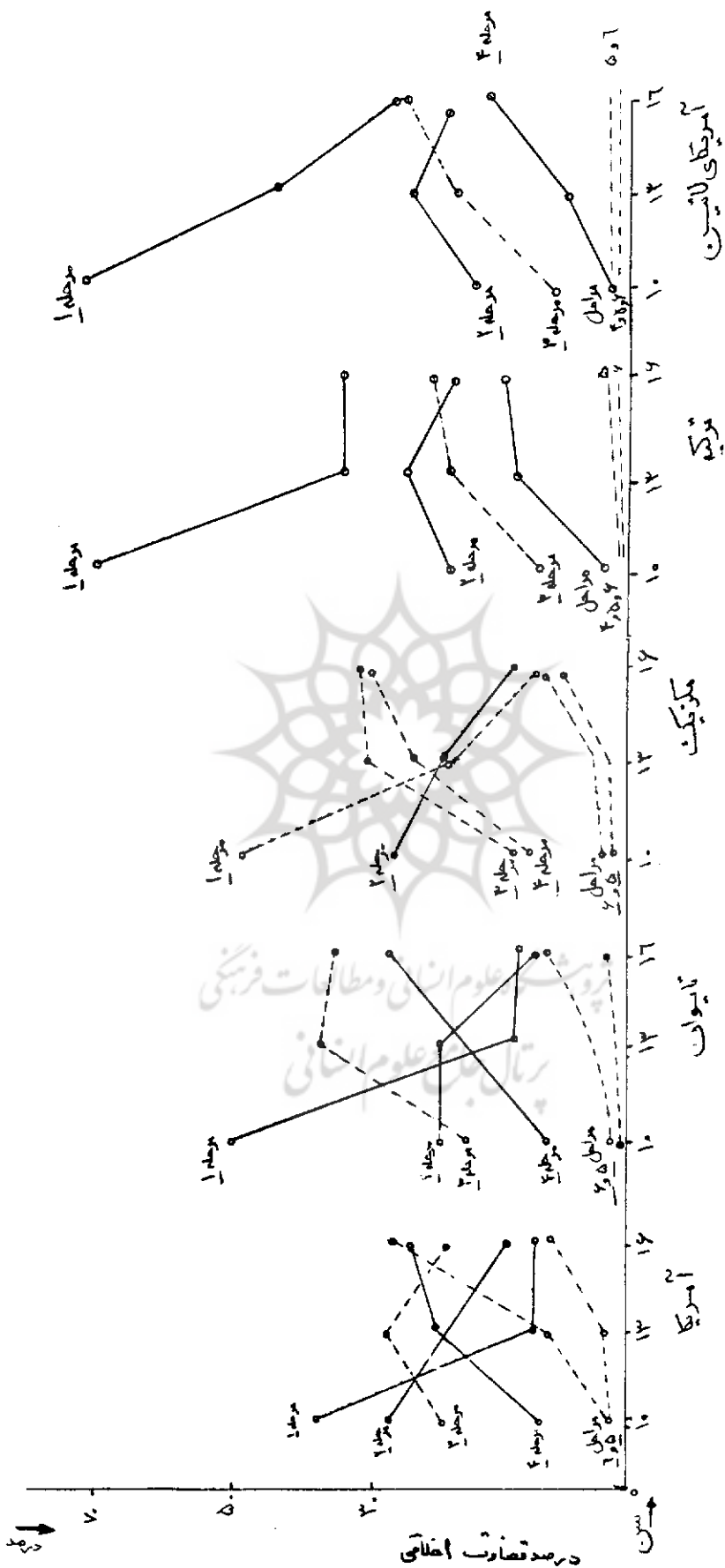
در قسمت پایین این نمودار، یافته تحقیق در مورد دو روستای دور افتاده، یکی در ترکیه و دیگری در آمریکای لاتین را نشان می‌دهد. در این دو نمونه نیز همان الگو در تفکر اخلاقی مشاهده می‌شود. در این موارد نیز فرایند وارونه مشابه آزمودنیهای آمریکایی، وجود ندارد بلکه تا پایان ۱۶ سالگی کماکان قضاوت مبتنی بر مراحل (۲ و ۱) تسلط خود را بر مراحل قراردادی (۴ و ۳) از دست نمی‌دهد. بدین اساس، آهنگ تحول اخلاقی در مورد آزمودنیهای ترک و آمریکای لاتین، حتی کندتر از آزمودنیهای مکزیکی و تایوانی است.

تا سال ۱۹۷۹ همه داده‌های طولی که براساس شش مرحله شکل گرفتند، براساس باز نمره‌گذاری بود. باز نمره‌گذاری به عنوان قسمتی از تلاش برای روایی^۱ و اعتبار^۲ نظام نمره‌گذاری لازم بود. در حال حاضر راهنمای اندازه‌گیری وسیعی که شمارش دقیقتر از پاسخ دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، در دسترس قرار دارد. نه تنها راهنمای اندازه‌گیری جدید برای محققین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بلکه نتایج تازه‌ای به معلمان می‌دهد.

مراحل تحول اخلاقی در فرهنگها و همچنین در خصوص افراد مختلف، یکسان می‌باشد لذا مراحل ثابت بوده، امکان جهش و جابه‌جایی در مراحل وجود ندارد. بر این اساس، مرحله سوم یعنی مرحله پسر خوب و یا دختر خوب بودن مرحله‌ای، بعد از مرحله دوم لذت طلبی و قبل از مرحله چهارم مربوط به جهت‌گیری نظم و قانون، می‌باشد و برای افراد، امکان گذر از مرحله دوم به چهارم وجود ندارد. در واقع، آنچه در خصوص افراد و فرهنگ، نتایج متفاوت می‌دهد، صرفاً مربوط به سن رسیدن به یک مرحله است. در این مقاله در نظر است به ارائه گزارش تحقیقاتی مبادرت ورزیم که در خصوص سن وقوع مراحل تحول اخلاقی در کشورهای مختلف انجام گرفته است.

نمودار شماره (۱) نتایج تحقیقات کهلبرگ را در این زمینه نشان می‌دهد. متغیرهای داده‌های این تحقیق که در کشورهای آمریکا، تایوان، مکزیکی، ترکیه و آمریکای لاتین، نشان می‌دهد که اولاً روند مراحل تحول ثابت است؛ ثانیاً فراوانی مراحل پایین (۱ و ۲) با افزایش سن، کاهش می‌یابد و فراوانی مراحل بالا (۶ و ۵ و ۴) افزایش می‌یابد. بر این اساس، توالی، تغییرناپذیر و مراحل تحول اخلاقی همانند تحول شناختی از پایین به بالا و در هیچ مرحله‌ای جهش وجود ندارد.

براساس نتایج این تحقیق، پسران طبقه متوسط آمریکایی، تایوانی و مکزیکی در ۱۰ سالگی، با توجه به اینکه بیش از ۴۰ درصد قضاوتها در مرحله اول قرار دارد، در استفاده از مراحل بالاتر، دشواری مشاهده می‌شود. آزمودنیهای این سه کشور در ۱۳ سالگی، بیشتر از قضاوت مبتنی بر مرحله ۳ بهره می‌گیرند. در ۱۶ سالگی آزمودنیهای پسر آمریکایی به استثنای مرحله ۶، استفاده از



نمودار شماره (۱) نتایج تحقیق کلهبرک

نمودار شماره (۲)

هنجار جدید: درصد قضاوت اخلاقی در هر مرحله برای هر گروه سنی.

همانطوری که ملاحظه می‌کنید، قضاوت اخلاقی مربوط به مرحله ۳ افزایش می‌یابد و مرحله ۲، کاهش می‌یابد. در مرحله سوم، قضاوت ارزشی و اخلاقی بر همنوایی با هنجارهای گروهی هستند. در حدود سنین (۱۶-۱۸) مرحله ۲، تقریباً ۲۰ درصد کاهش می‌یابد و مرحله ۴، حدوداً ۱۵ درصد از قضاوت‌های (۱۶-۱۸) سالگی را تشکیل می‌دهد. در این سن، قضاوت اخلاقی مربوط به مرحله سوم غالب می‌باشد، یعنی در این سن قدرت گروه همسالان به حداکثر می‌رسد. در حالی که از نظر جیمز کولمن^۶ به اثر گروه همسالان در محتوی ارزشها تأکید شده است، براساس نظریه کهلبرک این ارزشها از سایرین نیز می‌تواند به نوجوان منتقل شود.

در حدود ۲۰ سالگی، مرحله ۱ تقریباً ناپدید می‌شود، مرحله ۲ به ده درصد کاهش می‌یابد. متشابهاً مرحله ۳ شروع به کاهش می‌کند و مرحله ۴، شروع به افزایش می‌کند و حدود ۳۰ درصد از قضاوتها را تشکیل می‌دهد. در حدود (۲۴-۲۶) سالگی، قضاوت

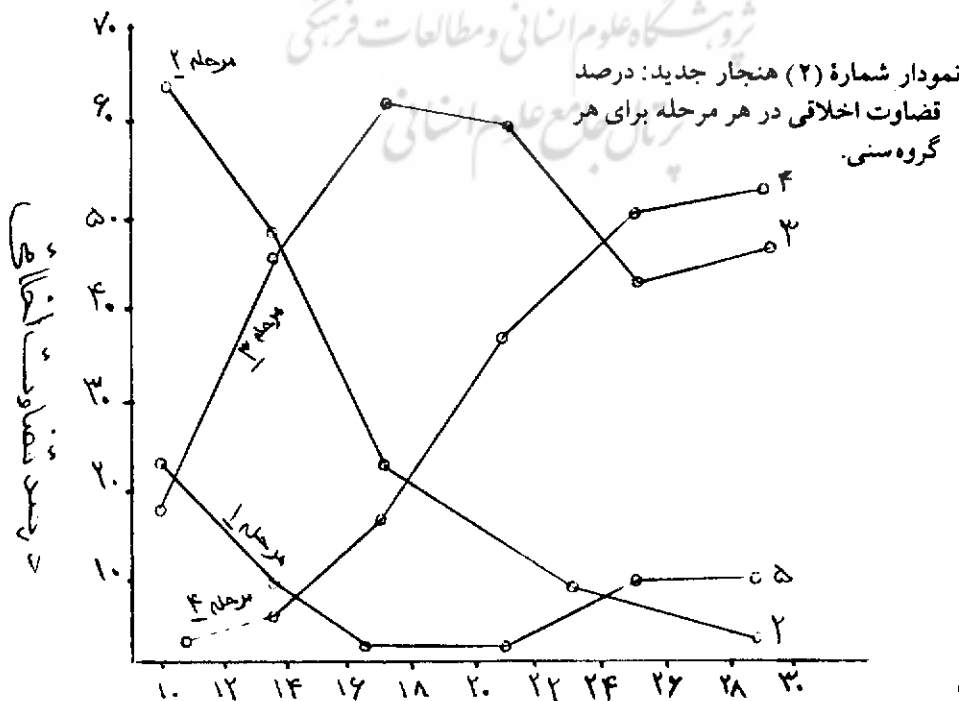
مرحله ۵، آشکار می‌شود و ۱۰ درصد قضاوتها را تشکیل می‌دهد.

همانطوری که ملاحظه می‌کنید، در این تحقیق اگرچه گرایش مرحله‌ای ثابت است، تا مراحل دیرتر رخ می‌دهند. این امر، نشان می‌دهد که به برنامه‌های تحولی مؤثرتری برای تحریک قضاوت اخلاقی، نیاز است. تحقیقات جدید بر پایه هنجارهای پیازه‌ای نشان می‌دهد که افراد دبیرستانی به عملیات انتزاعی^۷ توانا هستند، اما از آن استفاده نمی‌کنند. این موضوع در مورد قضاوت اخلاقی نیز درست است. دانش‌آموزان دبیرستانی به قضاوت مرحله ۴، توانا هستند اما از آن استفاده نمی‌کنند. متشابهتاً دانشجویان به قضاوت مرحله ۵ آشنا هستند، اما آن را به کار نمی‌برند. روشن است که این امر به تجربه تحولی مؤثر برای زندگی در یک جامعه دموکراتیک، نیازمند است. بعلاوه، اثر تجربه مشارکت اجتماعی متعهدانه در تصمیم‌گیریهای اجتماعی و کارشناسی و همچنین اثر آرمانخواهی‌های انسانی، اعتقادی و اجتماعی را در تسهیل و به کارگیری توانمندیهای سطوح تحولی قضاوت اخلاقی نمی‌توان نادیده گرفت. بدین اساس، افرادی که برای حل مسائل اجتماعی ملزم به ترسیم

راههای ممکن ارزشیابی هر یک از آنها برای اخذ تصمیم نهایی می‌باشند و همچنین افرادی که در آرمانخواهی اجتماعی، اعتقادی، مشارکت و یا در هدایت آن سهم می‌باشند، سریع‌تر توانمندی مرحله‌ای در قضاوت اخلاقی خویش را نمایان می‌سازند. سهم آرمانخواهی اعتقادی در تسریع تحول اخلاقی و به کارگیری مؤثر آن، در جوامع مذهبی، همسان فضای دموکراتیک در جوامع غربی تعیین‌کننده می‌باشد. این اثر، برای به کارگیری عملیات انتزاعی در تحول شناختی و سطح قضاوت اخلاقی پس قراردادی در تحول اخلاقی، تقریباً یکسان مؤثر است.

براساس نقطه‌نظر رست^۸ و توریل^۹، دانش‌آموزان (۵۰-۴۰) درصد زمان در مرحله هنجاریشان استدلال می‌کنند و قسمتی از استدلالشان در مرحله پایین و قسمتی دیگر در مرحله بالاست و هیچکس به‌طور کلی در یک مرحله قضاوت نمی‌کند.

بر این اساس، افراد برحسب شرایطی که در آن قرار می‌گیرند، توانمندی مربوط به قضاوت اخلاقی را در مرحله مشخص، و یا یک مرحله بالاتر به کار می‌گیرند. استدلال در سطح بالاتر، به تدریج دانش‌آموز را به سطح بالاتر می‌کشاند. بنابراین دو چیز راجع به



استدلال مرحله‌ای مهم است: یکی اینکه سطح هنجار، نظام عمومی است و نصف اوقات را پوشش می‌دهد؛ دوم اینکه رجحانی نسبت به آخرین مرحله وجود دارد. در واقع در مواقع و موقعیتهایی که با مسائل پیچیده‌تر مواجه است، همانند استدلال منطقی و شناختی، قضاوت اخلاقی مربوط به مرحله بالاتر از توانمندی خود را به کار می‌گیرد.

تغییر مرحله‌ای صرفاً از مرحله پایین به مرحله بالا رخ می‌دهد و افراد به طرف مراحل بالاتر مثلاً مرحله ۵ به ۶ پیش می‌روند و هیچ فردی بالاتر از مرحله ۶ ندارد. به استثنای افراد اسکیزوفرنیا و بیماران نهادی شده، پیشرفت در مراحل تحول اخلاقی رخ نمی‌دهد. نتایج مطالعات طولی، کاهش در نمره را فقط در ۸ درصد مواقع نشان می‌دهد. از آنجایی که آزمودنیها در یک دوره ۳۰ ساله مطالعه شدند، این پیشرفت در نمره به خطای قابل قبول در اندازه‌گیری نسبت داده شد و یا آزمونهای بعدی نشان می‌دهد که برگشت‌ها در آزمون بعدی وجود نداشت. در واقع آزمودنیها در مراحل بعدی قرار گرفتند. نتایج، این امر را نشان می‌دهد که افراد از مراحل پایین به بالا رشد می‌کنند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که رشد نظام‌مدار یعنی یک مرحله در یک زمان بود.

پس نه بازگشت اصیل وجود داشت و نه جهش در یک مرحله این امر، وجود خصیصه خاص مراحل، در مراحل تحول اخلاقی را نشان می‌دهد.

● پی‌نوشتها:

1. Validity
2. Reliability
3. Longitudinal
4. Overestimate
5. Conformity
6. James Coleman
7. Formal operations
8. Rest
9. Turiel
10. Schizophrenics
11. Institutionalized patients

